

۱۳۹۰۹۹۴

خاستگاه‌های نظریه فقهی در اسلام

یوزف شاخت

ترجمه

احمد رضا خواجہ فرد



سرشناسه : شناخت، یوزف، ۱۹۰۲-۱۹۶۹ م. Schacht, Joseph
 عنوان و نام پدیدآور : خاستگاه‌های نظریه فقهی در اسلام / یوزف شناخت؛
 ترجمه احمد رضا خواجه فرد
 مشخصات نشر : تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری : ۴۶۴ ص.
 فروست : علوم اجتماعی؛ ۹۱۴
 شابک : 978-964-511-713-7
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 یادداشت : عنوان اصلی: The origins of Muhammadan jurisprudence
 یادداشت : کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.
 موضوع : فقه — تاریخ
 موضوع : فقه شافعی
 شابک افزوده : خواجه فرد، احمد رضا، مترجم.
 رده‌بندی کتبی : ۲۲خ/ش ۱۴۸ BP
 رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۳۹
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۰۵۹۷

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف «قانون حقوق کپی‌رایت» و «قانون حقوق معنوی» دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شما، تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۹۱۴

نشر میزان

خاستگاه‌های نظریه فقهی در اسلام

یوزف شناخت

مترجم: احمد رضا خواجه فرد

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۷-۷۱۳-۵۱۱-۹۶۴-۹۷۸

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکسیا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱
 فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخر رازی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰
 واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۹-۳۱
 پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
یادداشت مترجم.....	۱۱
پیشگفتار.....	۱۳
پیشگفتار چارچهارم.....	۱۶
به شما ۱- تکوین نظریه فقهی.....	۱۷
فصل ۱- نظریه ملائیکه اسلامی.....	۱۹
فصل ۲- مذاهب فقهی تدبیر نگاه شافعی به آنها.....	۲۴
فصل ۳- شافعی و احادیث فقهی.....	۲۹
فصل ۴- احادیث در مذاهب فقهی امامیه.....	۴۰
۴-۱ ۱ مدنیان.....	۴۲
۴-۱ ۲ عراقیان.....	۴۶
فصل ۵- نقد فنی احادیث از شافعی و پیش از شافعی.....	۵۵
فصل ۶- دلایل در قبول و رد احادیث.....	۶۰
۶-۱ ۱ مخالفان احادیث بطور اعم.....	۶۰
۶-۱ ۲ دلایل در مخالفت با احادیث نبوی.....	۶۴
۶-۱ ۳ دلایل در دفاع از احادیث نبوی.....	۷۳
۶-۱ ۴ نتیجه گیری.....	۷۷
فصل ۷- سنت، «عمل» و «سنت زنده».....	۷۸
۷-۱ ۱ کلیات.....	۷۹
۷-۱ ۲ مدنیان.....	۸۱
۷-۱ ۳ شامیان.....	۹۰
۷-۱ ۴ عراقیان.....	۹۴

۹۸.....	۵-۷-۱ شافعی.....
۱۰۱.....	۶-۷-۱ نتیجه.....
۱۰۳.....	فصل ۸- اجماع و اختلاف.....
۱۰۳.....	۱-۸-۱ تصور قدیم از اجماع.....
۱۰۵.....	۲-۸-۱ مدنیان و اجماع.....
۱۰۷.....	۳-۸-۱ عراقیان و اجماع.....
۱۰۹.....	۴-۸-۱ معتزله و اجماع.....
۱۱۰.....	۵-۸-۱ شافعی و اجماع.....
۱۱۶.....	۸-۱ آموزه متأخرتر اجماع.....
۱۱۷.....	۷-۸-۱ اختلاف.....
۱۲۱.....	فصل ۹- قیاس اجتهاد و رأی.....
۱۲۳.....	۱-۹-۱ دوره امویان.....
۱۲۷.....	۲-۹-۱ عراقیان.....
۱۳۸.....	۳-۹-۱ مدنیان.....
۱۴۵.....	۴-۹-۱ شامیان.....
۱۴۶.....	۵-۹-۱ شافعی.....
۱۵۵.....	۶-۹-۱ معتزله.....
۱۵۶.....	۷-۹-۱ محدثان.....
۱۵۷.....	۸-۹-۱ احادیث علیه اجتهاد انسان در فقه.....
۱۶۰.....	فصل ۱۰- نکته‌های آخر در نظریه فقهی.....
۱۶۷.....	بخش ۲- فربه شدن احادیث فقهی.....
۱۶۹.....	فصل ۱- نکته‌های آغازین.....
۱۷۱.....	فصل ۲- فربه شدن احادیث فقهی در دوره نوشتاری.....
۱۸۶.....	فصل ۳- تعارض آموزه‌ها به گونه موجود در فربگی احادیث.....
۱۹۸.....	فصل ۴- شواهد اسنادها.....
۲۱۲.....	فصل ۵- خاستگاه احادیث فقهی در نیمه نخست سده دوم هجری.....

فصل ۶- قواعد فقهی در احادیث.....	۲۱۶
بخش ۳- انتقال آموزه فقهی.....	۲۲۷
فصل ۱- عمل امویان، سرآغاز نظریه فقهی اسلامی.....	۲۲۹
۱-۱-۱ نکته‌های آغازین.....	۲۲۹
۱-۱-۲ عمل عمومی امویان.....	۲۳۲
۱-۱-۳ عمل حکومتی امویان.....	۲۳۸
۱-۱-۴ رد مذاهب فقهی قدیم به عمل امویان.....	۲۵۳
فصل ۲- آموزه مشترک قدیم و تأثیرهای متقابل.....	۲۵۴
۲-۱-۱ آموزه مشترک قدیم.....	۲۵۴
۲-۱-۲ نخستین ارجح‌ها و تأثیرگذاری‌های متقابل.....	۲۵۹
۲-۱-۳ مجادله‌ها و تأثیرگذاری‌های متقابل.....	۲۶۳
۲-۱-۴ نتایج.....	۲۶۳
فصل ۳- رکن قرآنی در فقه اسلامی قدیم.....	۲۶۵
فصل ۴- عراقیان.....	۲۶۹
۴-۱-۱ شریح.....	۲۷۰
۴-۱-۲ حسن بصری.....	۲۷۰
۴-۱-۳ شعبی.....	۲۷۱
۴-۱-۴ ابن مسعود و اصحابش.....	۲۷۲
۴-۱-۵ ابراهیم نخعی.....	۲۷۵
۴-۱-۶ حماد.....	۲۷۹
۴-۱-۷ گروه مخالف عراقی.....	۲۸۱
۴-۱-۸ سفیان ثوری.....	۲۸۳
فصل ۵- مدنیان و مکیان.....	۲۸۵
۵-۱-۱ «هفت فقیه مدینه».....	۲۸۵
۵-۱-۲ زهری.....	۲۸۸
۵-۱-۳ ربیعہ.....	۲۸۹

۲۹۰	۴-۵-۳ یحیی بن سعید
۲۹۱	۵-۵-۳ گروه مخالف مدنی
۲۹۲	۶-۵-۳ مکبان
۲۹۵	فصل ۶- محدثان
۳۰۰	فصل ۷- معتزله
۳۰۲	فصل ۸- فقه خوارج
۳۰۵	فصل ۹- فقه شیعه
۳۱۳	بخش ۴- تحول اندیشه فنی فقه
۳۱۵	فصل ۱- تحول اسلامان فقهی بطور اعم
۳۳۰	فصل ۲- ساماندهی اسلامی سازی
۳۳۵	فصل ۳- اجتهاد اورا
۳۳۷	فصل ۴- اجتهاد فقیهان عراق
۳۳۷	۴-۴-۱ ابن ابی لیلی
۳۴۱	۴-۴-۲ ابوحنیفه
۳۵۰	۴-۴-۳ ابویوسف
۳۵۶	۴-۴-۴ شیبانی
۳۶۲	فصل ۵- اجتهاد مالک
۳۶۷	فصل ۶- اجتهاد شافعی
۳۸۴	سخن آخر
۳۸۵	یادداشت‌های مترجم
۴۳۷	پیوست ۱- گاه‌شمار نوشته‌های شافعی
۴۳۸	پیوست ۲- جدول پاراگراف‌ها در رساله‌های شافعی
۴۴۹	فهرست منابع
۴۵۵	واژگان

کتاب خاستگاه‌ها مبنای همه مطالعات آینده در تمدن و فقه اسلامی قرار خواهد گرفت.

کتاب شاخت که مطالعه دوران سازی است، احتمالاً مبنای همه کارهای آتی در این موضوع قرار خواهد گرفت.

یوزف شاخت (که سخاوتمندانه نوآوری خود را به ایگناز گلدزیهر نسبت داده) نظریه‌ای در حقوق شرعی تدوین کرده است که در کلیات اساسی خود ابطال تاثیر اسباب و اثبات می‌کند نظریه کلاسیک حقوق شرعی دستاورد فراگرد تاریخی پدیدهای در دوره‌ای حدود سه سده بوده است.

شاخت کار بسیار طاقت فرسا را در عرف ساختن تاریخی معتبرتر کرده است. اس. وی. فیتزجرالد^۱

من کتاب خاستگاه‌های شاخت را به سبب سبک آن که بسیاری از خوانندگان غربی و مسلمان را از راه نادرست واردات می‌شایسته تحسین بسیار می‌دانم.

کتاب خاستگاه‌های نظریه فقهی اسلامی شاخت مورد تحسین شرق شناسان بزرگ قرار گرفته است.

1. H. A. R. Gibb, Review of *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, by Joseph Schacht, in *Journal of Comparative Legislation and International Law* (1951), p. 114.
2. W. Montgomery Watt, review of *The Origins of Muhammadan Jurisprudence* by Joseph Schacht, in *Journal of the Royal Asiatic Society* (1952), p. 91.
3. Coulson, N. J. *A History of Islamic Law*, Edinburgh University Press, 1964, p. 4.
4. Fitzgerald, S. V., Review of *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, by Joseph Schacht In *The Law Quarterly Review* 69 (1953): 395-9.
5. Juynboll, G. H. A., *Muslim Tradition*, Cambridge University Press, 1983, p. 3.
6. Azami, M. M. *On Schacht's Origins of Muhammadan Jurisprudence*, Suhail Academy Lahore Pakistan, 2004, p. 1.

۱- کتاب حاضر یکی از کلاسیک‌های مهم اسلام‌شناسان غربی و مهم‌ترین کتاب یوزف شاخت است. نوشته‌های شاخت عموماً دیرباب است. علت دیربایی آن یکی سبک نگارش او، دیگری استفاده از اصطلاح‌های خاص، که گاه تنها در آثار او دیده می‌شود، و نیز ارجاع‌های فراوان و بدون توضیح، است.

۲- چون بنای شاخت بر گزیده‌گویی بوده، در اغلب موارد از ارجاع‌های فراوان خود تنها با ذکر آدرس یاد کرده است. شاید اگر شاخت همه شاهد مثال‌های خود، به ویژه شاهد مثال‌های حدیثی را آورده و بجزایر در بیان را رعایت نکرده بود، حجم کتاب چند برابر حجم کنونی می‌شد. ارجاع‌های فراوان نویسنده به کتاب‌هایی از فقها و شارحان آنان است که عموماً در دسترس خواننده قرار ندارد، از این رو، برای سهولت فهم مطالب، کوشیده‌ام بسیاری از نقل قول‌ها و احادیث ارجاع شده، متن کتاب‌های مورد استناد و حتی الامکان همان چاپ‌ها و نسخه‌ها و در صورت لزوم ترجمه آنها را در یادداشت‌های مترجم بیاورم. یادداشت‌ها، که در آنها اظهار نظر شخصی صورت گرفته، شماره جداگانه‌ای در متن مشخص و برحسب بخش‌ها و فصل‌های کتاب تنظیم شده‌اند. نقل قول‌ها از پیامبر و امام علی (ع) حتی الامکان متن و ترجمه کامل آورده شده است.

۳- بطور کلی، استنادهای شاخت به کتاب‌های فقها و منابع اهل سنت و عمدتاً به شافعی است و هیچ استنادی به آثار فقها و منابع شیعی (که شاید به استثنای تفاوتی داشته‌اند) نشده است. در واقع، در بازه زمانی مورد بحث این کتاب امامان شیعه حضور داشته و شیعیان می‌توانسته‌اند احکام شرعی را از امامان و یا نمایندگان امامان بدست آورند و نیازی به فقه و نظریه‌پردازی‌های فقهی نداشته‌اند. تنها از زمان غیبت امام زمان (ع) نیاز به احکام و آیه‌ها و منابعی برای فقهای شیعه ضرورت یافت. بنابراین، اساساً این کتاب بر محور آثار و نوشته‌های فقها و رؤسای مذاهب فقهی اهل سنت قرار دارد، و احادیث نبوی و علوی و احکام فقهی مطرح شده در آن از نگاه و قول فقهای قدیم و بزرگان اهل سنت است و ارتباطی به شیعیان و آموزه‌های امامان شیعه (ع) ندارد. طبعاً اگر مترجم موارد اختلاف با احادیث و احکام مورد قبول شیعه را می‌آورد حجم کتاب فزونی می‌گرفت.

۴- قرار بود ترجمه این کتاب با همکاری دوست خوبم، دکتر محمدعلی مرادی بنی، صورت گیرد، اما، متأسفانه در همان آغاز متوقف شد و همینجا از همکاری‌هایش در آغاز کار سپاسگزاری می‌کنم.

پیشگفتار

این کتاب به خاستگاه‌های نظریه فقهی اسلامی (Muhammadan jurisprudence) می‌پردازد. البته، گاه در فرصت‌هایی به نمونه‌هایی از فقه اسلامی که مواد نظام فقهی اسلامی است، اشاره خواهم کرد. اما، تاریخ خود احکام فقهی (positive law) در اسلام، و رابطه آرمان‌های آموزه فقهی با اجرای عملی عدالت، خارج از چارچوب پژوهش کنونی است.

شریعت اسلام (sacred law) مجموعه‌ای تمام‌عیار از تکالیف دینی و نه خصوص نظام فقهی است. شریعت اسلامی از دستورات هم‌پایه در مناسک (cult) و عبادات (ritual) و نیز احکام سیاسی و (به معنای دقیق‌تر) احکام فقهی تشکیل شده است. در گزینش نمونه‌ها تاجان منین به حوزه فقه (بطور اخص) تمرکز کرده‌ام. این روش نه تنها به دلایل عملی قابل درک است، بلکه از نظر تاریخی نیز موجه است. چون در صدر اسلام موضوع حقوقی اساساً از قرآن و دیگر منابع اسلامی اصیل گرفته نمی‌شد، حقوق که تاندازه بسیاری خارج از حوزه دین قرار داشت، تنها به شکلی ناقص در مجموعه تکالیف دینی گنجانده شده، و بخشی از ماهیت خاص خود را حفظ کرده بود. بالینهم، تفاوت روشنی بین آنها نمی‌توان گذارد، و هر جا از اطلاعات فقه اسلامی را به‌کار برده‌ام، منظور از آن، همه موضوع‌هایی است که در چارچوب شریعت اسلام جای می‌گیرد.

در انجام این کار خود را سخت و امداار اساتید پژوهش‌های اسلامی نسل گذشته می‌دانم. در این کتاب گاهی از اسنوک هورگرونج (Snouck Hurgronje) نام برده شده است. زیرا، اگر اکنون ماهیت فقه اسلامی را می‌فهمیم به‌واسطه آثار او است. گاه از گلدزیهر (Goldziher) مطلبی نقل کرده‌ام. انتظاری بیش از این ندارم که این کتاب دنباله‌ای ناچیز از پژوهش‌هایی باشد که گلدزیهر آغاز کرد. مارگولیو (Margoliouth)، از جمله نخستین و شاخص‌ترین کسانی بود که پیش از من به چیزی فراتر از استفاده سطحی از آثار شافعی که آن زمان تازه منتشر شده بود، پرداخت. در بازنگری حوزه‌ای که در اینجا به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است، مارگولیو در رویکرد عمومی‌اش به منابع و نیز بسیاری از جزئیات مهم، بیش از همه پژوهشگران به نتیجه‌گیری‌هایم نزدیک است. باینکه نوشته‌های لامنه (Lammens)، ارتباط چندان مستقیمی با فقه و نظام فقهی اسلامی

ندارد، اما لازم است نامش در پیشگفتار کتابی آورده شود که بخش بزرگی از آن به ارزیابی تاریخی «احادیث» اسلامی مربوط است. پژوهشم در احادیث فقهی مرا به کرنش و ستایش در برابر نگرش انتقادی لامنه در جاهایی که سوگیری (*ira et studium*) نکرده، وامی‌دارد. در نسل حاضر، برگستراسر (Bergsträsser)، با نگاه ژرف‌بین خود، مسایل اصلی مطرح در دوره شکل‌گیری فقه اسلامی را بیان و راه حل محتاطانه‌ای در پیش نهاد. باینکه نتیجه‌گیری‌هایم تاندازه‌ای متفاوت از نتیجه‌گیری‌هایی است که شاید برگستراسر در نظر داشت، باید به یاد این آموزگار از دست رفته که راهنمای گام‌های آغازینم در نظام فقهی ایران بود، سر تعظیم فرود آورم.

همه مطالعات پیشینم در فقه اسلامی از جهتی به نوشتن این کتاب رهنمون شده است. اما، هنگامی که نوشتن آن دست زدم، مقامات مصر در سال ۱۹۳۹ اجازه ندادند به کار و خانهم در قاهره برگردم و نتوانستم در زمانی که بیش هر زمان دیگری به کتابخانه‌ام نیاز داشتم آنجا بمانم. در این مورد به ویژه تأسف می‌خورم که از رجوع به کتاب الحجج شیبانی، کتاب لسن شافعی، کتاب الدیات ابو عاصم نبیل، متقی من اخبار الاصمعی، و مطالب نوشته‌های چار شده‌ام، در مراحل مختلف آماده سازی، از وکیع، کتاب الأصل شیبانی و کتاب المسایل ابن حنبل، محروم ماندم. باوجود این کاستی‌ها، فراهم آمدن امکان استفاده از سه متون اساسی را عمده‌تاً وامدار موزه بریتانیا و مؤسسه گریفیت در آکسفورد و لطف، مهربانی و مساعدت کارمندانشان هستیم.

میل دارم سپاس عمیق خود را به مجموعه سرپرستی کالج سن جان، آکسفورد، و آقای ک. سیسان، دبیر سابق نمایندگی‌های انتشارات کلرندون بدست بدهم. به جدی که به مطالعاتم، بطور اعم، و این کتاب بطور اخص نشان دادند، و برای یاری که به من نمودند، ابراز کنم. از زمانی که پروفیسور اف. دو زولوتا و مرحوم اچ. کانتورویچ از من دعوت کردند در تدوین طرح تاریخ دانش حقوقی آکسفورد که متأسفانه باید کنار گذاشته می‌شد، همکاری کنم، پروفیسور دوزولوتا با دلگرمی و علاقه به مطالعاتم در فقه و نظریه فقهی در اسلام یاری رسانند. دکتر دی. دوبه از کالج گونویل و کانوس کمبریج مهربانانه نکاتی از حقوق رومی را برایم روشن ساخت، و دکتر اس. وینستوک از آکسفورد مقاله‌ای از گلدزیهر را با امانتداری بسیار از زبان مجاری برایم ترجمه کرد.

بدون تشویق و یاری بی‌پایان پروفیسور اچ. ا. آر. گیب (H. A. R. Gibb) این کتاب هیچگاه کامل نمی‌شد. در پایان میل دارم از همسر من برای کمک به‌واقع ارزشمندش در آماده‌سازی دستنوشته کتاب سپاسگزاری و این کتاب را به‌عنوان هدیه‌ای ناچیز به او تقدیم کنم.

بهتر از این نیست که سخنی از شافعی را برای خواننده بازگو کنم (الرساله ۵۹): «برخی از کتابهایم را از دست دادم، اما به اثبات آنچه از دانسته‌های پژوهشگران در یاد داشتم پرداختم؛ گزیده‌گویی پیشه کردم، تا کتابم چندان طولانی نشود، و صرف نظر از همه چیزهایی که در موضوع می‌توان فهمید، تنها به موارد لازم بسنده کردم».

ی. ش.

آکسفورد

آوریل ۱۹۴۸

در این چاپ تنها تغییرات و افزوده‌های اندکی صورت داده و برخی از نتیجه‌گیری‌های اخیرم را گنجانده، اما چندان بر حجم کتاب نیفزوده‌ام. هدف این کار تحقیقی شرح کامل دانش فقهی در چند سده نخست اسلامی نیست. برای بدست آوردن تصویری کلی از تحولات نظریه فقهی اسلامی، به عنوان یک کلیت، از آغاز تا دوره نوین، خوانند را به کتاب دیگرم *مقدمه‌ای بر حقوق اسلامی*، چاپ دوم، آکسفورد، ۱۹۶۶، ارجاع می‌دهم.^(۱)

www.ketab.ir